

مداخله گری سیاسی و جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک

کامران صادقی

سه شنبه ۹ فروردین ۱۳۹۰ - 29 مارس ۲۰۱۱

همانطور که دوستان مطلع هستند، قبل از نشست چهارم نکاتی را پیرامون این پرسش که وظیفه مرکزی ما در شرایط کنونی چیست؟ با دوستان در میان گذاشتم ("جنبش اعتراضی و واکنش در خور"، "بحث بر سر چیست؟" و...) و نوشتم که "پس از نشست این بحث را در سطح همراهان و علاقمندان به پیشبرد ایده جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک دنبال خواهیم کرد.

خوشحالم که دوست گرامی کیومرث صابغی با دو نوشته اخیر خود و با طرح نکاتی مانند:

"به اعتقاد من ما جمهوری خواهان دموکرات و لائیک به عوض به دنبال گشتن دلایل چرا نتوان ها باید به چه گونه میتوان ها پردازیمو خود را از بار خارج کشوری بودن بیرون کشیده و به همت ابزار و امکان تماس های که به آسانی در اختیار همگان هست در اداره و پیش برد نظراتمانمدیر بدانیم"

و
"اگر ما نتوانیم این مهم را (یعنی ایجاد پل ارتباطی با هم نظرانمان در ایران) آغاز کنیم، بی شک محفلی کوچکتر، نخبه گرایانه تر، و خارج کشوری تر خواهیم شد."
به گسترش ابعاد این بحث کمک کرده و آنرا دوباره مد نظر همه ما قرار داده است.

در ادامه بحث مایلم یکبار دیگر نظر خود را در خصوص اینکه من از مداخله گری سیاسی از زاویه جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک چه می فهمم، توضیح دهم و در ضمن به نگرانیهایی که دوستان در گذشته ابراز کردند، پردازم.

در یکی از جلسات پالتاکی اخیر، هموطن خوش ذوقی که به عنوان مهمان حضور داشت، در باره ج د ل مثال جالبی مطرح کرد. او ج د ل را به کسانی تشبیه کرد که معدنی کشف کرده اند، ولی نه نیروی انسانی کافی برای این کار را دارند. نه ابزار و وسائل ضروری را و نه می دانند که چگونه باید این معدن را استخراج کرده و از آن استفاده نمود. منظور او از این معدن یا گنج همان ایده جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک بود.

ممکن است دوستان حاضر نباشند این حکم را در همه ابعدادش بپذیرند، اما باید اذعان کرد که حقیقتی در این حرف وجود دارد که توجه به آن شاید بتواند راه گشای مشکلات ما باشد.

اگر بخواهم آنچه را که مد نظر من است و حتی آنچه را که از نوشته های کیومرث فهمیدم در یک جمله خلاصه کنم، چیز دیگری نخواهد بود جز دستیابی به ابزار و وسائل ضروری و پیدا کردن نقشه راه جهت استخراج این معدن و کار برد آن برای پیشبرد مبارزات اجتماعی در شرایط کنونی ایران.

با وجود عاجل بودن این بحث، متأسفانه هنوز در بین ما یک دیالوگ جدی و سازنده در این باره انجام نگرفته است. هنوز هم تعبیر برخی از دوستان این است که تمرکز فعالیت ها در جهت پیشبرد ایده جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک یعنی "در گیر شدن در کار تئوریک"، "شرکت نکردن در مبارزات اجتماعی" و "نداشتن فعالیت مبارزاتی". ولی آیا واقعا چنین است؟ در زیر سعی می کنم بی اساس بودن این نگرانی را نشان بدهم:

1- دفاع از حقوق بشر و مبارزه علیه نقض حقوق بشر

یکی از مطالبات محوری ج د ل جمهوری مبتنی بر حقوق بشر است. این خواست ما را موظف می کند از سه جنبه در رابطه با حقوق بشر "فعالیت مبارزاتی" داشته باشیم. اول اینکه ما موظفیم علیه هر گونه نقض حقوق بشر، چه در ایران و چه در جای دیگری از جهان مبارزه کنیم. دوم اینکه طرح این خواست ما را موظف می کند که در دفاع از حقوق بشر فعالیت مستمر داشته باشیم. به عبارت دیگر ما نباید منتظر بمانیم که بطور نمونه کسی را بخاطر عقایدش به زندان بیاندازند تا ما از آزادی عقیده دفاع کنیم، بلکه دفاع از اصل آزادی عقیده به عنوان یک حق دموکراتیک بطور دائم در دستور کار ماست. و سوم اینکه ما حقوق بشر و حقوق شهروندی را همزمان با خواست جمهوری مطرح می کنیم. این جنبه، ابعاد فعالیت های ما را از کار یک کمیته دفاع از حقوق بشر متفاوت می کند، چرا که به نفی حاکمیت دینی پرداخته و آلترناتیو نظام جمهوری مبتنی بر حقوق بشر را در مقابل نظام دیکتاتوری اسلامی مطرح می کنیم.

(اگر من در همین جا این نوشته را تمام کنم، باید نگرانی دوستان بر طرف شده باشد که گویا تاکید بر جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک مترادف خواهد بود با در گیر شدن در کار تئوریک و باز ماندن از مبارزات اجتماعی و فعالیت های سیاسی.)

2- برای دموکراسی، علیه تبعیض

دامن زدن به تبعیض در همه ابعاد آن، وجه مشخصه رژیم حاکم بر ایران است. ج د ل در مقابل این واقعیت که خطری جدی علیه همبستگی اجتماعی و ملی در کشور ماست، خواست برابری، خواست برابری حقوقی، خواست امکان استفاده برابر از امکانات جامعه و خواست عدالت اجتماعی را مطرح می کنند. آیا در این خواست ها ظرفیتی عظیم برای فعالیت اجتماعی و پیوند با جنبشهای اجتماعی و مبارزات هموطنان مناطق عقب نگه داشته شده کشورمان وجود ندارد؟ آیا ما در این چند سال به خود زحمت داده ایم که امکانات فعالیت های سیاسی در این رابطه را بررسی کنیم و برنامه ای برای پیشبرد مستمر آن ارائه

بدهیم؟

پیشنهاد تدوین منشور جدائی دین و دولت در ایران که می بایستی با همیاری " همه نیروهای جمهوریخواه، که جدائی دین و دولت را شرط بر قراری و پایداری دموکراسی و کثرت گرائی در ایران آینده میدانند." تنظیم شود، نمونه مشخص از نوع فعالیت‌های در این راستا است که می تواند در زمینه های دیگر نیز راهنما باشد.

3- مداخله گری سیاسی در راستای برآمد بدیل دموکراتیک

بحثی که در گذشته در باره بوجود آمدن بدیل سیاسی رژیم اسلامی در میان ما انجام گرفت، نتوانست بعلت نا روشن ماندن ابعاد آن، بطور سازنده دنبال شود. پس از خیزش مردمی سال 88 و صف بندیهای سیاسی بعد از آن، ادامه این بحث و نقش ما در پیشبرد آن، مجددا خود را در دستور کار ما قرار داده است.

به نظر من ما موظفیم در راستای برآمد یک بدیل دموکراتیک در افق مبارزاتی جامعه قدم برداریم. همانطور که در بحث های قبلی هم تاکید کردم، در شرایط فعلی حتی عمده ترین فعالیت ما می بایستی حول کمک به شکل گیری چنین آلترناتیوی متمرکز گردد. اگر در گذشته این سوال در قالب آلترناتیو بودن یا نبودن این گروه و یا آن گروه مطرح شد و ربط آن در بعد اجتماعی به مبارزات مردم روشن نگردید، امروز با در نظر داشتن تجربه خیزش مردم در خرداد 88 می توانیم این سوال را روشن تر مطرح کرده و وظایف خود در قبال آنرا مشخص تر کنیم. من نظرم را در جواب به این سوال در نوشته "جنبش اعتراضی و واکنش در خور" در اکتبر سال گذشته به صورت زیر بیان کردم:

می دانیم که شعله مبارزات مردم زیر خاکستر نخواهد ماند. خواست آزادی، خواست دموکراسی، خواست جمهوری مبتنی بر حقوق بشر، خواست حاکمیتی غیر مذهبی در بخش های بزرگی از مردم ریشه دوانده است. باید کوشش کرد که این واقعیت به شکل سازمان یافته در صحنه مبارزات مردم ابراز وجود کند. وظیفه مرکزی ما باید کمک به متحقق کردن این پروژه باشد. گام نهادن در چنین مسیری، آن " واکنش در خور" ی است که در مقابل جنبش اعتراضی 88 باید از خود نشان داد.

با توجه به نکات فوق باید روشن شده باشد که مداخله گری سیاسی از زاویه دفاع از ایده جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک، نه تنها ما را به یک گروه مطالعه تبدیل نخواهد کرد، بلکه فعالیت های مبارزاتی ما را گسترش داده و آنها را هدفمند خواهد کرد. بعلاوه از آنجا که این فعالیت ها بر زمینه اصلی اشتراکات ما استوار خواهند بود، معضل تفاوت در ارزیابی ها و نقش باز دارنده آنها در حرکت مشترک را به معضلی جانبی تبدیل خواهد کرد که با کمی سعه صدر نحوه پرداختن به آنها قابل دستیابی خواهند بود.

اکنون سوال اینجاست که آیا ما خواهیم توانست با درک الزامات این مداخله گری سیاسی، خود را از گیر و بندهای "پشت جبهه" بودن رها کنیم و بعنوان بخشی از مبارزات مردم در روند برچیدن بساط حاکمیت دینی، در همه جلوه های آن، بسهم خود موثر باشیم؟

